

تأملی بر رویکردهای فرهنگی - اجتماعی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر

y.a.g@chmail.ir

✉ یاسر ابوزاده کتابی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✱

سیدعلی حسنی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲

چکیده

جنبش پنطیکاستی، که در اوائل قرن بیستم و با تأکید بر مسئله بازگشت قریب‌الوقوع مسیح یا به عرصه وجود نهاد، در ابتدا، تمرکز خود را بر تبشیر مسیحیت و جذب حداکثری وقف کرد. اما با گذشت چند دهه و عدم ظهور مجدد مسیح، رویکردهای تبشیری خود را به مسائل این جهانی، فرهنگی - اجتماعی معطوف کرد. توجه به امر کلیساسازی، بومی‌سازی کلیساها و رهبری آنها و سیاق‌گرایی فرهنگی، از عمده رویکردهای فرهنگی و توجه به اقشار ضعیف جامعه در کنار توجه به جوانان و مسئله رهبری آنها در کلیساها، تبلیغات شهری و خیابانی و همچنین، مشارکت در امور عام‌المنفعه، از مهم‌ترین رویکردهای اجتماعی پنطیکاستی‌ها محسوب می‌شود. این پژوهش، با بررسی منابع مکتوب پنطیکاستی در پی آن است، تا پس از معرفی عمده رویکردهای فرهنگی - اجتماعی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر، با روش تحلیل داده‌ها، ثابت کند که مقوله کلیساسازی و رهبری در میان پنطیکاستی‌ها، با چالش‌هایی روبرو بوده، توجه نکردن به نخبگان جوامع، از مهم‌ترین اشکالات این رویکرد محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جنبش پنطیکاستی، کلیسا، تبشیر، بومی‌سازی، سیاق‌گرایی، رویکردهای فرهنگی، رویکردهای اجتماعی.

در طول تاریخ، گروه‌ها و جنبش‌های مختلف آخرالزمانی وجود داشتند که تأکید بر قریب‌الوقوع بودن ظهور منجی موعود می‌کردند، اما آنها با سپری شدن مدت زمان زیاد، به این نتیجه رسیدند که آنچه وعده داده بودند محقق نشده است. از این‌رو، برای مدیریت وضعیت پیش آمده، هریک از این گروه‌ها و جنبش‌ها، سیاست‌هایی را در پیش گرفتند. جنبش پنطیکاستی، که در ابتدای قرن بیستم در منطقه آمریکای شمالی و توسط افرادی همچون چارلز فاکس پرهام (Charles Fax Parham) و ویلیام سیمور (Willyam Seymour) (سینان، ۱۹۹۷، ص ۹۱-۹۳) ظهور کرد، با تأکید زیاد بر مسئله آخرالزمان و ظهور نزدیک منجی، نظر عده زیادی را به خود جلب کرد. در این عرصه نیز فعالیت‌های زیادی را هم سر و سامان داد (هوس، ۲۰۰۶، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ لاکوس، ۲۰۰۹). پنطیکاستی‌ها، گمان می‌کردند که بازگشت مسیح آنقدر نزدیک است که حتی ممکن است در عصر آنها اتفاق بیفتد. این مسئله، به قدری روی آنها تأثیر گذاشته بود که برنامه‌های زندگی‌شان را بر آن تنظیم کرده، به گونه‌ای که هر برنامه‌ای که برای آینده می‌کشیدند، باید با انتظار آمدن مجدد مسیح متناسب می‌بود. از این‌رو، پنطیکاستی‌ها برای تحقق هرچه سریع‌تر این مسئله، به تبشیر و تبلیغ مسیحیت و تأکید بر امور معنوی، روی آوردند (ما، ۲۰۰۹).

پنطیکاستی‌های اولیه، با روی آوردن به تقدس و معنویت مشتاقانه دعا می‌خواندند. روزه می‌گرفتند و قلب‌های خود را برای نزدیک‌تر شدن عصر کلیسا و ظهور آماده می‌کردند. در این باره، در بیانیه ایمان رسولی، اولین روزنامه پنطیکاستی، آمده است:

تمام این شش هزار سال ما با شیطان و گناه در حال مبارزه بودیم. به زودی ما برای هزار سال آینده... باید به سمت کمال و تقدس گام برداریم، و تعهد در روح‌القدس شویم، و نباید در آنجا بایستیم، نباید به تعمد صرف قانع باشیم، بلکه باید به سوی کمال و بالندگی گام برداریم (رک: ویلدورث، ۲۰۱۳، ص ۲۳۲).

تقریباً همه نویسندگان توافق دارند که انتظار پنطیکاستی‌های اولیه از بازگشت قریب‌الوقوع مسیح، با جان‌فشانی‌های میسیونری بسیاری همراه شد؛ چراکه پنطیکاستی‌ها گمان می‌کردند که تبشیر آنها، بخشی از مقدمات بازگشت مسیح را فراهم می‌سازد. بر این اساس، آنان به علت تعهد شدید به تبشیر، فعالیت‌های زیر را در دستور کار خود قرار دادند: (ما، ۲۰۰۹)

- برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت: پنطیکاستی‌ها طی این دوره‌ها، تمام آنچه را که یک میسیونر برای تبلیغ به آن نیازمند است، به صورت فشرده و در قالب دوره‌های کوتاه مدت آموزشی به او تعلیم می‌دادند.
- برگزاری تورهای تبلیغی در تابستان: فعالیت‌های تابستانه پنطیکاستی‌ها، عمدتاً به صورت تورهای تبلیغاتی به نقاط مختلف دنیا بوده است.
- تأسیس مدارس الاهیاتی برای تولید نشریات تبشیری: پنطیکاستی‌ها در این مدارس، در کنار آموزش الاهیات، و نه مطالعات الاهیاتی آکادمیک، نشریات تبشیری زیادی تولید کرده‌اند؛ زیرا معتقدند: فرصت کافی برای انجام چنین اموری وجود ندارد و باید تمام انرژی خود را - فقط - صرف تبشیر کنند.

▪ ترک خانه و کاشانه برای تبشیر: مسیونرهای زیادی، که به آنها میسیونرهایی با بلیط یک طرفه می‌گفتند، داوطلب شدند تا به تبلیغ مسیحیت بپردازند (ما، ۲۰۰۷). آنها برای تبشیر به مناطق دوردست می‌رفتند، بدون اینکه علاقه و یا انتظار بازگشت به وطن‌شان را داشته باشند. بنابراین، دیگر غیرعادی نبود که زنان جوان، پیوند نامزدی خود را برهم زده و برای تبشیر عازم شوند (ویلدرورث، ۲۰۱۳، ص ۲۳۲).

با نزدیک شدن دهه ۱۹۶۰م و گذشت بیش از پنج دهه از آغاز جنبش پنطیکاستی، و با توجه به ورود آنان به مناطق مختلف دنیا و استقبال مردم از پیام پنطیکاستی، کم‌کم مسئله رهبری در کلیساها و دغدغه‌های اجتماعی پررنگ شد. دغدغه‌هایی همچون ناآرامی‌های اجتماعی، ساختارهای فشارآور و سختی‌های زندگی، فقر و بی‌عدالتی، مدرن شدن جوامع و مسائلی از این دست موجب شده بود تا جوامع انسانی، به حداقل‌های مرز حیات برسند. از سوی دیگر، چند دهه از شروع جنبش می‌گذشت و ظهور مسیح تحقق نیافته بود. از آنجایی که احتمال می‌رفت که تداوم این شرایط به موجی از ناامیدی‌ها منجر شود، پنطیکاستی‌ها استراتژی‌های تبشیری خود را تعدیل کرده، در کنار توجه به مسئله تبشیر، در برای مدیریت وضعیت پیش آمده، بر رویکردهای اجتماعی و فرهنگی و توجه به مسائل این جهانی روی آوردند. ورود پیام «اینجا و اکنون» و «خبرهای خوش برای انسان مدرن»، از سوی جنبش پنطیکاستی در دهه ۱۹۶۰م را می‌توان نقطه عطف این رویکرد دانست (ما، ۲۰۰۹).

با توجه به اینکه این فرقه، از جمله فرقه‌های نوظهور در عالم مسیحیت می‌باشد که فعالیت‌های تبشیری گسترده‌ای در نقاط مختلف دنیا در حال انجام دادن است، و بربنای همین فعالیت‌ها، توانسته است جمعیت قابل توجهی از ساکنان سراسر دنیا، جمعیتی بالغ بر ششصد میلیون نفر، را به سوی خود جلب کند (لوگو، ۲۰۱۱، ص ۶۹)، و تاکنون تحقیق مدونی در حوزه رویکردهای تبشیری آنها، به‌ویژه در رویکردهای فرهنگی اجتماعی، ارائه نشده است، ضروری است تحقیقی مفصل با بررسی منابع پنطیکاستی، عمده رویکردهای فرهنگی و اجتماعی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر مورد بررسی قرار گیرد. پس از آن، با اشاره ضعف‌های این رویکرد، همه‌جانبه نبودن و گزینشی بودن آنها اثبات شود.

الف) رویکردهای فرهنگی - اجتماعی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر

با توجه به اینکه پنطیکاستی‌ها، در فرآیند تبشیری خود، همان‌طور که بیان آن گذشت، به مسائل این جهانی همچون مبارزه با بی‌عدالتی و فقر، توجه به نیازهای فرهنگی جامعه، در نظر گرفتن ابعاد مختلف اجتماعی جامعه و مسائلی از این دست روی آوردند، از این رو، در این بخش به رویکردهای مهم فرهنگی و اجتماعی آنان اشاره می‌شود.

الف. رویکردهای فرهنگی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر

توجه به امر کلی‌سازایی، به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی تبشیری و بومی‌سازی این کلیساها در قالب آموزش رهبرانی بومی و سیاق‌گرایی فرهنگی، تأثیر بسزایی در رشد چشمگیر جنبش در همه جوامع جهان، به‌خصوص در کشورهای جهان سوم داشته است. اینها اهم مباحثی است که در این قسمت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. ساخت و احداث کلیسا

یکی از مهم‌ترین رویکردهای پنطیکاستی‌ها، برای تبلیغ مسیحیت و رساندن پیام مسیح به سراسر دنیا، ایجاد و احداث کلیسا بوده است (اندرسون، ۲۰۰۴). از دیدگاه پنطیکاستی‌ها، احداث کلیسا باید اصلی‌ترین نکته در فعالیت‌های تبشیری باشد. باید به این سمت گام برداشت تا با احداث هرچه بیشتر کلیساها، همه جهان را مسیحی کرد تا در نهایت، کلیسای جهانی مسیح احداث گردد. از این‌رو، بیشتر کلیساها به‌واسطه سخت‌کوشی‌های میسیونرها ساخته شده‌اند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۳). احداث کلیساهای بومی، اولین گام در همراهی با دیدگاه تبشیر جهانی است. در اینجا در قالب بحثی مستقل و به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی تبشیری پنطیکاستی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیساهای پنطیکاستی سراسر جهان، ماهیتاً میسیونری (تبلیغی) بودند. جدا شدن کلیسا از تبشیر، از چالش‌های دیگر کلیساهای مسیحی محسوب می‌شد. اما این نکته یکی از امتیازات پنطیکاستی‌ها، در مقابل سایر فرقه‌های مسیحی است که کلیسا به تنهایی هم مکان برگزاری تجمعات و برنامه‌های عبادی محسوب می‌شود و هم اولین نقطه برای تبشیر مسیحیت. نکته اصلی در کلیساهای پنطیکاستی، همین مسئله تبشیر محوری آن بود که موجب تداوم آن شد (اندرسون، ۲۰۰۰).

از دیدگاه ویلیام آر رید (William R. Read)، پنطیکاستی‌ها، تقریباً در هر جایی به امر کلیساسازی سفارش می‌کردند و در آن مکان، جلسات و جماعت‌های خود را برگزار می‌نمودند (مک‌کلانگ، ۱۹۸۶، ص ۱۵۲).

از دیدگاه پنطیکاستی‌ها، احداث کلیسا نشان از قدرت روح‌القدس است (مک‌گی، ۱۹۸۶). میراث دنیوی آخرالزمان‌شناسی پنطیکاستی، یعنی تأکید بر مسائل این جهانی، منجر به تمرکز آنها در مقوله تبشیر، بر تبلیغ مسیحیت و احداث کلیسا گردید (ویلدرث، ۲۰۱۳، ص ۲۳۳).

از این‌رو، پنطیکاستی‌ها بر این باورند که احداث کلیساهای متعدد در نقاط مختلف جهان، بیانگر این است که روح‌القدس در این جنبش حضور دارد و به صورت فعال، در امر کلیسا سازی و به تبع آن، در مقوله تبشیر مشارکت می‌کند.

۲. بومی‌سازی کلیساها

بومی‌گرایی، یکی از اصولی است که موجب رشد سریع پنطیکاستی‌ها شده است. منظور از «بومی‌گرایی» یعنی بومی‌سازی و ساخت کلیسا در هر منطقه‌ای با کمک مردم همان منطقه، بدون هیچ‌گونه کمکی از سوی افراد و یا نهادهای خارج از منطقه. هودگز می‌گوید:

هیچ جایی در جهان نیست که اگر دانه‌های انجیل در آنجا کاشته شده باشد، منتهی به وجود آمدن کلیساهای بومی نگردد. از نگاه او کلیسا نماینده خداست برای مسیحی سازی، و تبشیر در میان فرهنگ‌های مختلف برای این است تا کلیسا تبدیل به مکانی گردد که توسط خودش (مردم بومی) اداره گردد، حمایت (مالی) شود، و تکثیر

گردد. در واقع این گفته به این معناست که کلیسا در هر سرزمینی باید به‌عنوان مادر تبشیر عمل کند، تا به تعداد ایمان‌داران بیفزاید. این سه نکته، سه ضلع اصلی تشکیل کلیساهای بومی است (اندرسون، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۰۹).

شکل‌گیری این کلیساهای به‌عنوان ابتکاری جدید در تاریخ کلیسا، موجب شد تا هم موعظه انجیل راحت‌تر صورت گیرد و هم پیام جدیدی از قدرت روح‌القدس تجربه گردد؛ بدین معنا که روح‌القدس همان‌گونه که در یک کشور عمل می‌کند، در کشور دیگر نیز به همان صورت می‌تواند عمل کند (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۱۶).

توجه پنطیکاستی‌ها، در تأسیس کلیساهای بومی به دو دلیل است:

الف. پنطیکاستی‌ها، براساس این گفته از کتاب مقدس که «مسیح به شاگردانش گفته است که منتظر باشند تا بوسیله روح‌القدس قدرت‌مند گردند و پس از آن آنها باید گواهان او باشند در اورشلیم، و در تمام یهودیه و سامره، و در تمام دنیا» (اعمال رسولان، ۱: ۸)، معتقدند: تأسیس کلیساهای بومی نشانه عنایت روح‌القدس و نیازمند به قدرت اوست (میلر، ۲۰۰۵، ص ۲۹۹).

ب. یکی از ویژگی‌های تبشیر پنطیکاستی، قابل انعطاف بودن آن است؛ به این معنا که افراد بومی مختارند تا خود کلیسایی احداث کنند و خود رهبری آن را بر عهده بگیرند. از این‌رو، پنطیکاستی‌ها به رویکرد تأسیس کلیساهای بومی روی آوردند (کارکاین، ۲۰۰۴). از نگاه ملوین هودگر (Melvin L. Hodges)، یکی از عوامل اصلی رشد پنطیکاستی‌ها در مناطق مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، توجه به بومی‌سازی کلیساهاست (اندرسون، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۰۹).

بنابراین، هر کلیسایی که در نقطه‌ای از جهان احداث می‌گردد، باید به این سمت حرکت کند که مردم خودشان آن‌را اداره کنند و خدمات آن‌را به عهده بگیرند. از این‌رو، با توجه به این نکته که بومی‌سازی کلیساهای، یکی از شاخصه‌های اصلی تبشیر پنطیکاستی است، مستلزم وجود لوازمی است که در بحثی مستقل به آن اشاره می‌شود.

الف. بومی‌سازی رهبری

گرچه مانیفست‌های غربی بسیاری به نقاط مختلفی از دنیا رفته‌اند، اما بیشتر مانیفست‌های پنطیکاستی، از افراد بومی همان سرزمین بوده‌اند. از روزهای اولی که بحث‌های تبشیری آغاز شد، در مسئله رهبری، تمرکز اصلی بر نگاه به غرب بود. اما امروزه این مسئله تغییر کرده است؛ مدارس کتاب مقدسی در این زمینه نقش فعالی ایفا می‌کنند. برای مثال، در قاره آفریقا، کشور بورکینافاسو، مسئول فرستادن مانیفست‌ها به سراسر غرب آفریقا است. امروزه نیز کلیساهای غرب آفریقا، از الگوی بورکینافاسو پیروی می‌کنند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۲-۱۳).

این نکته یکی از تفاوت‌های اصلی پنطیکاستی‌ها و سایر کلیساهای مسیحی است (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷). غالباً مانیفست‌های غربی، پس از ورود به یک منطقه مدت زیادی در آنجا نمی‌ماندند و پس از

تعلیم چند تن از افراد بومی، آن منطقه را ترک کرده، مسئولیت احداث کلیسا و تبشیر در میان بومیان را بر عهده خود بومیان می‌گزارند. البته این مسئله، در برخی از مناطق، همانند برخی از کشورهای جهان سوم، دلایل دیگری نیز داشت. برای مثال، در آفریقا بیشتر میسیونرهای اولیه پنطیکاستی اهل امریکای شمالی و اروپا بوده، از سفیدپوستان بوده‌اند. همان‌گونه که در کلیساهای دیگر مسیحی رایج است، رابطه‌ای پدران با اتباع آفریقایی داشته، در برخی موارد رفتارهای نژادپرستانه‌ای از خود بروز می‌دادند. از این‌رو، استراتژی پدران میسیونرها و از سوی دیگر، احساسات ضد سفیدپوستان، که در بسیاری از کشورهای آفریقایی، به علت ظلم و ستم‌های قدرت‌های استعماری، شکل گرفته بود، موجب شد تا در برخی موارد، مردم موضعی تدافعی در مقابل میسیونرها اتخاذ کرده، میسیونرها مجبور شدند تا منطقه را بدون آموزش کافی رهبران بومی ترک کنند؛ چرا که گمان می‌کردند میسیونرها به دنبال تصاحب کشورشان و در نهایت، به دنبال سر خم کردن و به بردگی کشاندن سیاهپوستان هستند (برگس، ۲۰۰۴، ص ۱۴).

این مسئله یعنی بومی‌سازی رهبری، بدان جهت بود که پنطیکاستی‌ها معتقد بودند: از طرف روح‌القدس برای این امر فرستاده شده‌اند و روح‌القدس با هر مؤمنی، با صرف نظر از جنس، تحصیلات، و یا جایگاه اجتماعی او، به طور مساوی تکلم می‌کند (اندرسون، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷). از این‌رو، می‌توان گفت:

اولاً، هر مؤمن پنطیکاستی، ظرفیت کشیشی و میسیونری انجیل را داراست. با توجه به این نکته، رهبران اولیه جنبش پنطیکاستی در این مناطق، غالباً از طبقات پایین جامعه و از افرادی بودند که هیچ‌گونه تحصیلات و تعلیمات رسمی ندیده بودند. تنها در قالب کارآموزی آموزش‌هایی دیده بودند تا توانایی‌های کاریزماتیک‌شان شناخته شود (اندرسون، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷).

ثانیاً، از آنجایی که در کلیساهای پنطیکاستی، هیچ تمایزی میان فرد روحانی و عوام نیست؛ هر کسی در هر موقعیت و جایگاه اجتماعی، اعم از زن و مرد، توانایی کشیش بودن را داراست، دیگر نیازی به این وظیفه (کشیشی) نیست. این نکته نیز یکی دیگر از تفاوت‌های تاریخی بین پنطیکاستی‌ها و سایر فرقه‌های مسیحی است (اندرسون، ۲۰۰۴).

رهبران بومی غالباً از میان مردمی انتخاب می‌شدند که از لحاظ مالی، استقلال داشته و نیاز به حمایت مالی نداشتند (اندرسون، ۲۰۰۴). جان فشانی‌های این رهبران و فداکاری‌های روحی و معنوی آنان، در کنار انجام معجزات و شفابخشی‌ها، چهره‌ای کاریزماتیک از آنان در اذهان مردم متجلی می‌ساخت. همین نکته موجب جذب افراد زیادی از مردم معمولی و در واقع مردان و زنان گمنامی شد که در فعالیت‌های تبشیری و مسیحی‌سازی مشارکت فعال داشته، به تبلیغ مسیحیت کمک شایانی کردند. از این‌رو، مشارکت بالای مردم عادی در جنبش پنطیکاستی، یکی از دلایل موفقیت آن بوده است (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷).

استفاده از رهبران بومی، با توجه به اینکه این رهبران، از شرایط جامعه خود آگاه بودند، سبب می‌شد تا رشد جنبش پنطیکاستی در این مناطق سریع‌تر شده، افراد زیادی به مسیحیت روی آورند. رهبران بومی غالباً مورد توجه

واقع می‌شدند و موعظه انجیل کامل، از سوی آنها، با میل و رغبت از سوی افراد عادی مواجه می‌شد. کلیساهای به‌عنوان یک نتیجه، به سرعت شکل می‌گرفتند. به‌عنوان مثال، کلیساهای اولیه آفریقایی، غالباً کلیساهای پنطیکاستی بومی‌سازی شده بودند. برای ترغیب به تبشیر مسیحیت، رهبران بومی، در جلسات کلیسای همواره برای میسیونرها دعا کرده، به‌این طریق از تبشیر آیین مسیحیت حمایت می‌نمودند (اندرسون، ۲۰۰۰).

از این‌رو، می‌توان گفت: توجه ویژه پنطیکاستی‌ها به بومیان و مشارکت دادن آنان در رهبری کلیساهای، به مرور زمان سبب شد تا میزان حضور مردم بومی در این جنبش بیشتر شده، در پیشرفت جنبش پنطیکاستی نمود قابل توجهی داشته باشد.

۱) سیاق‌گرایی فرهنگی

توجه میسیونرهای پنطیکاستی به فرهنگ عمومی جامعه‌ای که در آن وارد می‌شدند، یکی دیگر از لوازم بومی‌سازی کلیساهاست. پنطیکاستی‌ها با توجه به اصل «آزادی در روح‌القدس» هنگامی که به منطقه‌ای وارد می‌شدند، به ادیان بومی آن منطقه و فرهنگ‌هایی که در آنجا نهادینه شده بود، توجه به‌سزایی می‌کردند (اندرسون، ۲۰۰۰)؛ چراکه معتقد بودند پیام مسیحیت برای هر فرهنگ و هر سیاقی است و همه انسان‌ها در دریافت روح‌القدس با یکدیگر برابر هستند؛ حتی اگر از فرهنگ‌های مختلفی باشند. سیاق‌گرایی فرهنگی پنطیکاستی‌ها، رابطه تنگاتنگی با انعطاف‌پذیری بالای این گروه یا مذهب دارد. از نظر پنطیکاستی‌ها، هر دینی که شباهت‌های هر چند مختصری با ادیان بومی، در مناطق تحت تبشیر نداشته باشد، جذاب نخواهد بود. کسی به آن دین جدید روی نخواهد آورد (ما، ۲۰۱۴، ص ۱۶۴). همان‌گونه که استفاده از روش‌های عقلانی، که از سوی برخی دیگر از کلیساهای مسیحی صورت می‌گرفت، مورد استقبال واقع نشد (آیوک، ۲۰۰۵).

پنطیکاستی‌ها، در ابتداء ورود به یک منطقه، اگر در آن ناحیه، یک دین بومی وجود داشت، سعی می‌کردند تا الاهیات و مناسک خود را مخالف آن دین نشان ندهند. در مقابل به دنبال هم‌گرایی و تطابق آموزه‌های خود با آن دین می‌رفتند. از این‌رو، اگر پنطیکاستی‌ها آموزه‌های کلیدی دین، مردم بومی منطقه را با آموزه‌های پنطیکاستی مسیحیت مطابق می‌یافتند، با پررنگ نشان دادن شباهت‌ها، بر آزادی در روح‌القدس تأکید می‌کردند. از این‌رو، افراد زیادی را دور خود جمع می‌کردند. برای مثال، با توجه به اینکه در ادیان بومی آفریقایی توجه به جادو و شفای بیماران از طریق جادو و رهایی از دست ارواح خبیثه و مانند آن، بسیار مهم تلقی می‌شود. اعلان اینکه پیام مقدس نجات خداوند شامل رهایی از هرگونه ستم، همانند بیماری، جادوگری، دفع ارواح خبیثه و فقر می‌شود، مورد استقبال مردم آفریقا واقع شد و از این طریق، ده‌ها هزار نفر تغییر کیش داده و به آیین مسیحیت پیوستند (اندرسون، ۲۰۰۰).

اما اگر در آموزه‌ها اشتراکی وجود نداشت، از راهی دیگر، برای مثال توجه به امور معنوی، ورود پیدا می‌کردند. از آنجایی که مخاطب اصلی پنطیکاستی‌ها، کشورهای جهان سوم می‌باشند، و در این کشورها نیز مردم غالباً تشنه

معنویت هستند، می‌توان گفت که پنطیکاستی‌ها در این جوامع، از امور معنوی خاص پنطیکاستی در امر تبشیر بهره‌های زیادی بردند. برای مثال:

به محض اینکه فردی تجربه تعمید روح‌القدس را با شاهد تکلم به زبان‌ها دریافت می‌کرد، اشتیاق زیادی داشت تا این خبر را به گوش دوستان و اعضای خانواده خود برساند. هنگامی که این افراد، پیام معنویت پنطیکاستی را می‌شنیدند، اقدام به برگزاری جلسات دعا و نشست‌های پیروان، در خانه‌ها و در مکان‌های در دسترس می‌کردند. بدین طریق اعضای فعال کلیسای خانگی مشخص می‌شدند. سپس، رهبران کلیسا فردی را مأمور می‌کردند تا آن گروه کوچک را رهبری کند. گروه، به تدریج گسترش می‌یافت تا اینکه کلیسایی محلی از آن منشعب می‌شد (واکر، ۲۰۱۰، ص ۷۹).

یکی دیگر از ابزارهای مؤثر تبشیری، برای رساندن پیام و ساختن کلیسای پنطیکاستی، تأکید بر شفای بدون تجویز دارو است. افرادی که جذب کلیسا می‌شدند، به محض اینکه شفای الهی را تجربه می‌کردند و یا گواهی یکی از دوستان یا بستگانشان را درباره دریافت شفای الهی می‌شنیدند، به سراغ دوستان و آشنایان خود می‌رفتند و آنها را به جلسات شفا می‌کشاندند. در واقع، در این مدل از تبشیر، از آنجایی که تبشیر از پایین‌ترین سطح شروع می‌شود، دیگر نه نیازی به فعالیت‌های سازمان‌دهی شده از بالا یا از سوی رهبران کلیسایی دارد و نه کشمکش و تعارضی با ادیان سنتی منطقه پیش می‌آید (واکر، همان، ص ۸۳).

در رابطه با مسئله سیاق‌گرایی فرهنگی، توجه به نکاتی ضروری است:

اولاً، در هر جا که نیاز بود پنطیکاستی‌ها به مقتضای شرایط جامعه هدف، تغییراتی را متحمل گردند، از انجام آن تغییرات ابایی نداشتند. برای مثال، پنطیکاستی‌ها برای سازگاری با اعمال ادیان قدیمی و یافتن راه‌حلی برای این مسئله، در صورت لزوم از تغییر کتاب مقدس و یا به تعبیری، تفسیر مطابق با شرایط کتاب مقدس دست می‌یازیدند. علت اصلی این نکته نیز از دیدگاه آنان، همان مسئله آزادی در روح‌القدس است (اندرسون، ۲۰۰۰).

ثانیاً، یکی از مهم‌ترین دلایل همراهی مردم کشورهای جهان سوم، به‌ویژه آفریقا با پنطیکاستی‌ها، این بوده که عناصر اصلی فرهنگ بومی آنان مورد تهاجم فرهنگ مدرنیته و جنبش مدرنیسم واقع شده بود. از این‌رو، برای رهایی از تأثیرات جنبش مدرنیته، همراهی با جنبشی که مؤلفه‌های آن در تضاد با عناصر اصلی فرهنگ بومی آنان نبوده و به حفظ آن کمک می‌کند، روشن و معقول تصور می‌شد (اندرسون، ۲۰۰۰).

ثالثاً، استفاده از روش‌های بومی برای پرستش و عبادت، دعای خودبه‌خودی و رقص، مثال‌های روشنی از آزادی در سیاق‌گرایی مسیحیت است (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۴؛ اندرسون، ۲۰۰۰).

رباعاً، استفاده از زبان بومی و محلی، در برگزاری جلسات دعا و خواندن سرود به زبان‌های محلی را می‌توان یکی دیگر از شاخصه‌های اصلی سیاق‌گرایی عنوان کرد (اندرسون، ۲۰۰۰).

خامساً، مشارکت فعالانه در انجام خدمات اجتماعی همانند ساخت مدارس و مراکز درمانی، یکی دیگر از ضروریات سیاق‌گرایی پنطیکاستی شمرده می‌شود (واکر، ۲۰۱۰، ص ۸۰؛ کوالسکی، ۲۰۱۰).

در نتیجه، عمده رویکردهای فرهنگی پنتیکاستی‌ها، احداث کلیسا و بومی‌سازی آن است. در بومی‌سازی، توجه به مسئله بومی‌سازی رهبری و سیاق‌گرایی فرهنگی، سبب شد تا پنتیکاستی‌ها در میان بومیان هر منطقه، نفوذ قابل توجهی داشته باشند. در نهایت، خود بومیان عهده‌دار امر تبشیر و تبلیغ مسیحیت پنتیکاستی گردند.

۲. رویکردهای اجتماعی پنتیکاستی‌ها در حوزه تبشیر

گرچه در ابتدای جنبش، غالباً پنتیکاستی‌ها به مسائل اجتماعی روی خوش نشان نمی‌دادند، و سال‌های اولیه این جنبش، از لحاظ تبشیر، به سال‌های هرج و مرج و بی‌نظمی مشهور است (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۱۳، ص ۲۱۴)، اما هر چه بیشتر از عمر جنبش می‌گذشت، اهمیت توجه به دغدغه‌های اجتماعی، در نزد پنتیکاستی‌ها پررنگ‌تر می‌شد. این مسئله، موجب امیدواری مردم و روی آوردن آنها به جنبش پنتیکاستی گردید. براین اساس، رویکردهای اجتماعی جنبش پنتیکاستی را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

الف. توجه به طبقات پایین جامعه، رنگین پوستان، افراد ستم دیده و حتی بزهار

با توجه به اینکه غالباً بدون هیچ عمدی، پنتیکاستی‌ها از لایه‌های پایین جامعه هستند، از ابتدای جنبش، افراد فقیر و ستم‌دیده مورد توجه واقع می‌شدند (ویلدورث، ۲۰۱۳، ص ۲۲۲). از سوی دیگر با توجه به شعار پنتیکاستی‌ها، «آزادی در روح‌القدس»، امکان دریافت روح‌القدس از سوی همه افراد، از هر جنس و سن و رنگ و طبقه، و استقبال افراد عادی از جنبش پنتیکاستی، تبشیر پنتیکاستی همیشه بر فعالیت‌های افراد عادی متمرکز بوده است، عوام مردم بیشترین سهم را در آن داشته و دارند (ویلدورث، ۲۰۱۳، ص ۳۳۱؛ اندرسون، ۲۰۱۳، ص ۲۰۷). پنتیکاستی‌ها ادعا می‌کنند که رشد سریع جنبش پنتیکاستی، بیانات پولس حواری را مبنی بر اینکه خداوند از افراد ضعیف استفاده می‌کند تا توانگران را عاجز و پریشان سازد، اثبات می‌کند (ر.ک: اندرسون، ۲۰۰۰).

از سوی دیگر، همان‌طور که قبلاً هم گذشت، با توجه به اینکه مخاطب اولیه میسیونرهای پنتیکاستی، مردم جوامع جهان سوم بوده، میسیونرها غالباً جزء سفیدپوستان، اروپایی و یا ساکن مناطق آمریکای شمالی بوده‌اند، قاعدتاً مخاطبان میسیونرها از رنگین‌پوستان و یا سایر نژادهای جهان سوم بودند، البته در این بین افرادی همانند ویلیام سیمور، از رهبران جنبش خیابان آروسا، نیز وجود دارند که خود از رنگین‌پوستان هستند، و این مسئله نیز به این دلیل بوده که تبلیغ مسیحیت، از نگاه پنتیکاستی‌ها به معنای بیرون رفتن و یافتن افراد «گمشده، گمراه و بیگانه» از مسیح به‌واسطه قدرت روح‌القدس بوده است (اندرسون، ۲۰۰۰).

جذب افراد بی‌خانمان، معتاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، افرادی که دچار مشکلات عاطفی شده‌اند و افرادی از این دست (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۱)، یکی دیگر از رویکردهای اجتماعی تبشیر پنتیکاستی است که در بخش تبلیغات خیابانی به‌آن اشاره خواهد شد.

ب. توجه به جوانان و استفاده از موسیقی

امروزه یکی از راه کارهای اصلی تبشیر پنتیکاستی، توجه به قشر جوان است. شاید یکی از مهم ترین دلایل این مسئله، بالارفتن سن رهبران کلیساها باشد. از این رو، کلیساهای جدید با استخدام جوانان و فراهم آوردن دوره‌هایی برای آموزش و کسب مهارت‌های لازم برای رهبری کلیساهای، به تربیت آنها می‌پردازند (اندرسون، ۲۰۰۰).

از سوی دیگر، با توجه به طبع لطیف نسل جوان و علاقه آنها به موسیقی، با گنجاندن موسیقی‌هایی خاص در جلسات کلیسایی، اقدام به جذب آنها نموده‌اند. گرچه استفاده از موسیقی، روشی تبلیغی محسوب نمی‌شود، اما به‌سادگی می‌تواند افراد را برای آمدن به کلیسا جذب کند. از این رو، پنتیکاستی‌ها، با دعوت از گروه‌های کر زبردست و استفاده از خواننده‌ها و نوازنده‌های حرفه‌ای و آوردن آنها به کلیساها، سبب جذب افراد زیادی، به خصوص از نسل جوان، شده‌اند. در ابتدا، این گروه‌های موسیقی برای نواختن آهنگ‌هایشان برای تبلیغ، از کلیسایی به کلیسایی دیگر می‌رفتند، اما بعدها مسئولان کلیساها با دیدن نتایج مثبت استفاده از موسیقی، گروه‌های کر مخصوص کلیساهای خود را به‌وجود آوردند (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۴).

ج. توجه به مناطق شهری و تبلیغ خیابانی

در ابتدای جنبش پنتیکاستی، با توجه به شعار «یافتن افراد گمشده، همراه و دور و بیگانه» در هر مکانی حضور می‌یافتند و به تبلیغ می‌پرداختند. از این رو، حضور در مناطق روستایی و حاشیه شهرها، امری روشن بود. اما در قرن بیستم، با توسعه شهرها و کوچ مردم از روستاها به شهرها، میسیونرهای پنتیکاستی نیز به شهرها روی آوردند و تلاش نمودند تا مرکزی در مناطق شهری داشته باشند؛ چرا که کوچ آنها از مناطق روستایی به شهری، امتیازاتی برای آنان به‌همراه داشت، به گونه‌ای که رشد پنتیکاستی‌ها در مناطق شهری، بسیار بیش از مناطق روستایی بوده است. برای مثال، در آمریکای لاتین قدرت پنتیکاستی‌ها در مناطق شهری بوده است. حضور پنتیکاستی‌ها در مناطق شهری، فرصت‌های بیشماری برای آنها بوجود آورد و به سرعت توانستند بر مناطق شهری مسلط شوند (مک‌کلانگ، ۱۹۸۸).

هنگامی که میسیونرهای پنتیکاستی، درباره تبلیغ مسیحیت در شهرها بحث می‌کنند، مرادشان اولاً و بالذات تبلیغ خیابانی است؛ بدین معنا که میسیونرها از کلیسا بیرون رفته، در ایستگاه‌های راه‌آهن، میداین مرکزی و فروشگاه‌ها، درحال پیاده‌روی به سراغ آنها می‌روند که به دنبال خرید از مغازه‌ها هستند، رفته و از همین طریق، آنها را به کلیسا می‌کشاندند (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۹).

تبلیغ خیابانی، محدود به این روش‌ها نمی‌شود. برای مثال، حضور در سالن‌های رقص، در خانه‌ها، حضور در کنار گروه‌هایی که مشغول مصرف مواد مخدر هستند، بی‌خانمان‌ها و گاهی پخش غذا میان آنها، الکلی‌ها و صحبت با

آنها. اما همین حضور مستمر و اصرار بر آن، می‌تواند فرد معتاد را در کنار گزاردن مواد مخدر کمک کرده، به سمت مسیحیت بکشاند. این بدان معناست که تبلیغ چهره به چهره، یکی از روش‌های بسیار مهم در تبلیغ خیابانی است (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۱).

البته در کنار این امور، برای تحریک افراد و انگیزه‌سازی برای باقی ماندن در این مسیر، برگزاری جلسات موعظه، بررسی کتاب مقدس و مطالعه آن نیز می‌تواند در کنار تبلیغ خیابانی مناسب باشد؛ چرا که ممکن است همه افراد، همیشه آزادی و علاقه حضور در کلیسا و در نهایت، شرکت در تبلیغ مسیحیت را نداشته باشند (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۱).

از دیگر راه‌های تبلیغ خیابانی، تهیه نشریات و بروشورهایی در زمینه‌هایی همچون تبشیر ایمان و بیان نکاتی از کتاب مقدس است که در این نشریات، به مباحثی مانند گناه، توبه، نجات و زندگی ابدی پرداخته می‌شود (واریش اوبلا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۲).

د. مشارکت در امور عام المنفعه و انجام خدمات

مسیونرهایی که به فعالیت‌های تبلیغی می‌پرداختند، غالباً انسان‌های سخی و بخشنده‌ای بودند. این افراد، برای رشد جنبش املاک خود را می‌فروختند و حاضر بودند برای رساندن پیام نجات مسیح، به همه نقاط دنیا رفته، سختی‌های پیش‌رو را تحمل کنند. این مسئله موجب می‌شد تا مبالغ کلانی به دست پنطیکاستی‌ها می‌رسید و بودجه‌های بسیاری در اختیارشان قرار می‌گرفت (مک‌کالانگ، ۱۹۸۸).

از سوی دیگر، علاقه وافر پنطیکاستی‌ها به جذب حداکثری، سبب می‌شد تا خود در امور عام المنفعه و انجام خدمات مشارکت حضوری داشته باشند. از این‌رو، پنطیکاستی‌ها در تأسیس و راه‌اندازی بیشمار دارالایتم، مؤسسات آموزشی، مراکز درمانی، سینماها، تالارهای انجمن‌ها، و... حضور فعال داشته، از بذل کمک‌های مالی و معنوی دریغ نمی‌کردند. از این‌رو، حضور فعال مسیونرها در این اقدامات در تبلیغ مسیحیت پنطیکاستی مؤثر بوده و به نوبه خود موجب جذب هر چه بیشتر افراد به مسیحیت شد (ویلدرث، ۲۰۱۳، ص ۲۲۲؛ اندرسون، ۲۰۰۰).

۲. نقد و بررسی رویکردهای فرهنگی - اجتماعی پنطیکاستی‌ها

الف. چالش‌های در مسئله کلیسایسازی

پنطیکاستی‌ها بر این باورند که با احداث کلیسا در نقاط مختلف جهان و بومی‌سازی آنها، به‌عنوان نشانه حضور روح‌القدس در این کلیسا، می‌توان همه جهان را مسیحی نمود. درنهایت، کلیسای جهانی مسیح را احداث کرد. این دیدگاه پنطیکاستی‌ها، با اشکالاتی مواجه است:

از یک سو، بر مبنای آنچه که در کلام کارکاینن آمده است: «جوهر جنبش پنطیکاستی بازگشت به ایمان و تجربه عصر رسولان (تجربه دریافت عطایا) است، تا با استحکام در کلیسای عهد جدید زندگی کنند» (کارکاینن، ۲۰۰۰). از این رو، پنطیکاستی‌ها معتقدند: در کلیساهای تاریخی تمام تلاش‌ها برای جهانی‌سازی بر مبنای ایمان، اعتقاد و آموزه شکست خورده، کلیسا از آن ارزش واقعی خود سقوط کرده، نیاز دارد تا بر مبنای عهد جدید دوباره پی‌ریزی شود (راسچ، ۲۰۱۰). اما اشکالاتی حول این نکته وجود دارد:

نشانه‌های ویژه‌ای که به رسولان اعطا شده بود، برای احداث کلیسا بود. بنابراین، این‌گونه نشانه‌ها برای شروع کلیساست، نه به‌عنوان یک طرحی عام برای همه دوران کلیسا (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۲۱). کتاب مقدس نیز این نکته را تصریح کرده است که عطایایی که از رسولان صادر می‌شد، برای اثبات حقانیت آنان و بالتبع برای احداث کلیسای قرن اول بوده است. (رک: دوم قرنتیان ۱۲:۱۲؛ اعمال رسولان ۲: ۴۳؛ ۵: ۱۲ و ۱۵؛ ۱۹: ۱۲)

اگر تجربه دریافت عطایای روح‌القدس در کلیسا محوریت یابد، به مرور زمان به گرایش بسیار خطرناک تبدیل خواهد شد؛ زیرا به خاطر اتحاد کلیساها، مسیح بیرون از جنبش قرار خواهد گرفت (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۹۰). این همان تصویری از وضعیت کلیسا در روزهای واپسین است که در مکاشفه ۳: ۲۰ پیشگویی شده است: اکنون در مقابل در ایستاده، در را می‌کوبیم. هر که صدای مرا بشنود و در را بگشاید، داخل شده، با او دوستی دائمی برقرار خواهد کرد، و او نیز با من.

این گفته پنطیکاستی‌ها، که در کلیساهای تاریخی ارزش واقعی کلیسا سقوط کرده است، مورد قبول کلیساهای تاریخی همچون کاتولیک‌ها نیست. از نگاه کاتولیک‌ها، این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که پنطیکاستی‌ها مرجعیت کلیسای کاتولیک را به‌عنوان یک جامعه مرئی و تاریخی، که توسط مسیح و بر پایه ایمان، اعمال و مناسک، دستورات کلیسایی، و مرجعیت بنیان نهاده شده، نادیده گرفته اند (گروس، ۲۰۰۴).

از سوی دیگر، درست است که احداث هر چه بیشتر کلیسا، به افزایش ایمان‌داران منتهی خواهد شد، اما این مدل شکل‌گیری کلیساها و رشد قارچ‌گونه آنها، بدون هیچ ضابطه‌ای و تنها بر محور روح‌القدس و عطایای روح‌القدس، علاوه بر اینکه تشتت دیدگاه‌ها و غیر قابل کنترل بودن کلیساها را به دنبال خواهد داشت (راسچ، ۲۰۱۰)، موجب اعتراض سایر کلیساها می‌شود؛ زیرا پنطیکاستی‌ها برای تبشیر ایمان پنطیکاستی، به سراغ آن‌دسته از کاتولیک‌هایی که به ظاهر مسیحی و تعمید یافته بوده اما در هیچ‌یک از فعالیت‌های کلیسایی مشارکت نمی‌کردند، رفته و از آنها برای حضور در جلسات خود دعوت می‌کردند. کاتولیک‌ها چنین کارهایی را غیر منصفانه قلمداد می‌کردند؛ زیرا این نوع تبلیغ سبب شد تا در منطقه آمریکای لاتین، حدود ۷۵ درصد از کاتولیک‌ها به پنطیکاستی‌ها پیوستند. روزانه حدود هشت الی ده هزار نفر کاتولیک، کلیساهای خود را رها کرده، به کلیسای پنطیکاستی ملحق می‌شدند (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۲).

ب. چالش‌هایی در مسئله رهبری

علی‌رغم اینکه جنبش پنطیکاستی، به استفاده از رهبران بومی روی آورده است، اما اخباری که از فساد، اعم از فساد اقتصادی، جنسی و اخلاقی، برخی از رهبران پرطرفدار پنطیکاستی منتشر شده است، این کلیسا را با چالش مواجه

ساخته است (ر.ک: دبلیو کلود، ۲۰۱۲b، ص ۸۶). البته این گونه فسادها در سایر کلیساها نیز یافت می‌شود، اما با توجه به اینکه در کلیسای پنطیکاستی، مردم برای رهبرانشان به علت توانایی‌ها و کاریزمای شخصیتی آنها، احترام زیادی قائلند، آماری که از فسادهای رهبران پنطیکاستی گزارش شده است، وحشتناک است (ر.ک: ابرت‌شاسر، ۲۰۱۱، ص ۱۶). برای نمونه، می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

ایمی سمپل مکفرسون (Aimee Semple McPherson)، بنیانگذار یکی از مؤسسات تکلم به زبان‌ها، از جمله رهبرانی بود که افراد زیادی از او تبعیت کرده و در حد پرستش دوستش داشتند، اما این رهبر محبوب پنطیکاستی، غرق در انواع جرایم و فسادها بوده و یک بزهکار اجتماعی محسوب می‌شد (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۸۶). ای ای الن (A.A. Allen)، یکی از شفا دهنده‌های پرتعداد پنطیکاستی، به دلیل اعتیاد در مصرف بی‌رویه الکل و بیماری کبدی درگذشت (اچ پل، ۲۰۰۱، ص ۸۷).

ج. استفاده از موسیقی‌های خاص در جلسات کلیسایی

پنطیکاستی‌ها برای اینکه جلسات کلیسایی‌شان جذاب‌تر به نظر آید، سعی می‌کنند تا از فضا سازی‌های متداولی که در کنسرت‌های موسیقی استفاده می‌شود، کپی برداری کنند. از این رو، به هنگام اجرای زنده موسیقی، فضا را تاریک کرده، نورافکن‌ها را روشن کرده، و خوانندگانی که لباس‌های شهوت‌انگیز پوشیده‌اند، شروع به خواندن می‌کنند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲a، ص ۱۴۷). تنها تفاوت این جلسات با کنسرت‌های خارج از کلیسا این است که در این جلسات، در لابلای اشعاری که خوانده می‌شود، کلماتی نیز نسبت به خدا و مسیح گفته می‌شود. و برای مثال، ذکر «هللویاه» تکرار می‌شود (دبلیو کلود، ۲۰۱۴، ص ۱۸). در چنین فضایی، تعجب‌آور نیست که مسائل فساد برانگیز و شهوانی رخنه کند. به گونه‌ای که امروزه غالب مراسم‌های عبادی پنطیکاستی‌ها، دچار فساد اخلاقی شده و در فضایی احساسی و شهوانی برگزار می‌گردد. این نکته، نباید تعجب‌آور باشد؛ زیرا موسیقی‌های امروزی، بالاخص موسیقی راک، پاپ، هیپ هپ، غالباً با مسائل جنسی همراه شده است؛ زیرا خود موسیقی و سبک آن شهوانی است و حرکات شهوانی نوازندگان و خوانندگان موسیقی راک امر مرسوم است (دبلیو کلود، ۲۰۱۴، ص ۲۵-۲۶؛ همو، ۲۰۱۵، ص ۱۹۹؛ همو، ۲۰۱۶، ص ۵؛ همو، ۲۰۱۱، ص ۲۸). از این رو، جذب جوانان در چنین فضاهایی دور از انتظار نیست.

در چنین فضای احساسی و شهوانی، طبیعی است که زنان طلابه‌داران جلسات عبادی باشند. مردم، و یا حتی شماس‌ها و کشیش‌ها، برای آنکه از جلسه لذت بیشتری ببرند، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر استعمال کنند، و یا به زنان القا کنند که داشتن روابط جنسی با کشیش و یا شبان به منزله دریافت روح‌القدس است و به سادگی تن به فحشا دهند، به گونه‌ای که امروزه برخی از این شماسان و کشیشان، به خاطر داشتن روابط نامشروع در زندان هستند (دبلیو کلود، ۲۰۱۶، ص ۹ و ۱۵).

د. توجه به اقتصار آسیب‌پذیر

یکی از نقدهای جدی که بر پنطیکاستی‌ها وارد می‌شود، این است که مخاطبان آنان، عموماً از اقتصار آسیب‌پذیر و محروم جوامع، به‌ویژه افرادی که در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند، هستند. از این رو، پنطیکاستی‌ها هیچ‌گاه حاضر نشدند به سراغ متدینان راسخ و نخبگان جوامع بروند و آنها را به آیین پنطیکاستی بکشاند (میلر، ۲۰۰۷، ص ۸۴).

علت این نکته را می‌توان در جهالت این دسته از افراد نسبت به آموزه‌های پنطیکاستی‌ها و تعالیم کتاب مقدس عنوان کرد؛ زیرا اقتصار آسیب‌پذیر جامعه، غالباً با مشکلات عدیده‌ای، اعم از مشکل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و روحی و روانی مواجه هستند و تلاش‌هایی که پنطیکاستی‌ها برای برطرف نمودن این مشکلات انجام داده‌اند، سبب شده تا پنطیکاستی‌ها، همانند یک منجی در نظر آنان جلوه کنند و بالتبع پذیرش ایمان پنطیکاستی آسان‌تر خواهد بود (ر.ک: دبلیو کلود، ۲۰۱۲a، ص ۱۸۱).

دیوید دبلیو کلود (David W. Cloud) در این باره می‌نویسد: «در صحیفه یوشع ۴: ۶ نیز این تفسیر آمده است: مردم من به خاطر فقدان دانش نابود شده‌اند. چقدر این جمله درخور عصر ما نیز هست! جهالت جهانی نسبت به کتاب مقدس زمینه مناسبی را برای رشد این جنبش فراهم نموده است» (دبلیو کلود، ۲۰۱۲a، ص ۱۸۲).

از این رو، با توجه به اینکه نخبگان جوامع و متدینان راسخ، می‌توانند با مراجعه به کتاب مقدس، به اشکالات و نقایص آموزه‌های پنطیکاستی پی ببرند، میسیونرهای پنطیکاستی‌ها به سراغ آنان نمی‌روند.

نتیجه‌گیری

رویکردهای عمده تبشیری پنطیکاستی‌ها را باید در دو دوره تاریخی پیشین، از دهه ۱۹۶۰م و پس از آن دسته‌بندی کرد. در دوره اول، با توجه به اینکه پنطیکاستی‌ها منتظر بازگشت قریب‌الوقوع مسیح بودند، به فعالیت‌های تبشیری روی آوردند. ولی هرچه به دهه ۱۹۶۰م نزدیک می‌شد، با عدم ظهور مسیح، موجی از ناامیدی در میان پنطیکاستی‌ها در حال شکل‌گیری بود. از این رو، پنطیکاستی‌ها با تغییر رویکرد به مسائل این دنیایی و مشارکت گسترده‌تر در فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی روی آوردند.

از جمله رویکردهای فرهنگی پنطیکاستی‌ها، می‌توان به مواردی همچون ساخت و احداث کلیسا، بومی‌سازی کلیساها اشاره کرد. مهم‌ترین رویکرد پنطیکاستی‌ها برای رساندن پیام مسیح به سراسر دنیا، ساخت و احداث کلیسا بوده است. بومی‌سازی کلیسا، یعنی ساخت کلیسا توسط مردم بومی همان منطقه. پس از آنکه میسیونری پنطیکاستی توانست تعدادی از مردم منطقه‌ای را به آیین مسیحیت بکشاند، اختیارات کامل خود را به یکی از بومیانی که آموزش‌های لازم را برای رهبری کلیسا دیده است، می‌سپارد و از آن منطقه به جایی دیگر برای میسیونری می‌رود. یکی از لوازم اصلی بومی‌سازی کلیساها، توجه به مقوله سیاق‌گرایی فرهنگی است؛ به این معنا که

پنطیکاستی‌ها در ابتدای ورود به منطقه‌ای، شرایط فرهنگی آن منطقه را در نظر می‌گیرند. هر جا که نیاز باشد، خواسته‌های فرهنگی منطقه را بر اصول آیینی خود مقدم می‌دارند. از این رو، توجه به زبان بومی منطقه برای انجام عبادات روحانی و استفاده از رقص‌های محلی مصادیقی از سیاق‌گرایی فرهنگی محسوب می‌شود. این رویکرد پنطیکاستی‌ها، از اعتقاد آنها به آزادی در روح نشأت می‌گیرد؛ زیرا روح‌القدس اجازه داده تا هر کس هرگونه که می‌خواهد، برای دستیابی به او تلاش کند.

رویکردهای اجتماعی پنطیکاستی‌ها را می‌توان در چهار حوزه توجه به طبقات پایین جامعه، رنگین‌پوستان، افراد ستم‌دیده و حتی بزهدکار، توجه به جوانان و استفاده از موسیقی، توجه به مناطق شهری و تبلیغ خیابانی، و مشارکت در امور عام‌المنفعه و انجام خدمات دسته‌بندی کرد.

- توجه به طبقات پایین جامعه، رنگین‌پوستان، افراد ستم‌دیده و حتی بزهدکار: غالباً مخاطبان پنطیکاستی‌ها از طبقات پایین جامعه و مردم جوامع جهان سوم هستند.
- توجه به جوانان و استفاده از موسیقی: با توجه به اینکه سن رهبران اولیه پنطیکاستی بالا رفته بود، استخدام جوانان و آموزش آنها به‌عنوان رهبران آینده جنبش امری معقول به نظر می‌رسد. از سوی دیگر با توجه به طبع جوانان به موسیقی‌های تند، این شکل از موسیقی نیز به جلسات کلیسایی آنان وارد شد.
- توجه به مناطق شهری و تبلیغ خیابانی: شعار پنطیکاستی‌ها یافتن افراد دور و بیگانه در هر جا و مکانی است. از این رو، پنطیکاستی‌ها در هر نقطه‌ای از شهرها، که امکان آن وجود داشت، به تبشیر می‌پرداختند.
- مشارکت در امور عام‌المنفعه و انجام خدمات: علاقه پنطیکاستی‌ها به جذب حداکثری موجب شده که از همان ابتدای جنبش به امور عام‌المنفعه و احداث مراکز آموزشی و پزشکی و مانند آن حضور فعال داشته باشند.

اما با وجود جذابیت رویکردهای فرهنگی - اجتماعی پنطیکاستی‌ها، رشد بدون ضابطه کلیساهای پنطیکاستی علاوه بر اینکه، موجبات اعتراض سایر کلیساهای مسیحی را در پی داشته است، منجر به تشتت دیدگاه‌ها شده، کتاب مقدس نیز چنین جنبشی را تأیید نکرده است. از سوی دیگر، فسادهایی که از سوی برخی از رهبران مشهور کلیساهای پنطیکاستی گزارش شده است و همچنین، استفاده از موسیقی‌های هیجانی و گاه مبتذل در جلسات پنطیکاستی، از ارزش‌های جنبشی که مدعی است، در ابتدای امر، بر مبنای تقدس و معنویت شکل گرفته، منتظر ظهور منجی است، می‌کاهد. به‌علاوه، توجه ویژه مسیونرهای پنطیکاستی به افشار آسیب‌پذیر، به دلیل جهالت آنها نسبت به آیات کتاب مقدس و آموزه‌های پنطیکاستی‌ها، و عدم توجه به نخبگان و متدینان جوامع از ضعف‌های عمده چنین رویکردهایی است.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که رویکردهای الاهیاتی و رویکردهای سیاسی - اقتصادی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر، در قالب مقاله‌ای مستقل، مورد بررسی دقیق علمی قرار گیرد.

- Anderson, Allan, 2000, *Evangelism and the Growth of Pentecostalism in Africa*, Centre for Missiology and World Christianity, University of Birmingham.
- _____, 2013, *An Introduction to Pentecostalism: Global Charismatic Christianity*, Cambridge University Press.
- _____, 2004, "Structures and Patterns in Pentecostal Mission." *Missionalia: Southern African Journal of Mission Studies* 32, No.2, p.233-249.
- Ayuk, Ayuk A. 2005, "Portrait of a Nigerian Pentecostal Missionary." *AJPS* 8, no.1, p.117-141.
- Burgess, Stanley M. 2006, *Encyclopedia of Pentecostal and Charismatic Christianity*, Routledge.
- Ebertshäuser, Rudolf, 2011, *The Charismatic "Spirit Baptism" and the biblical Baptism in the Holy Spirit*, ESRA- Schriftendienst.
- Gros, Jeffrey, 2004, "The Church in Ecumenical Dialogue: Critical Choices, Essential Contributions," *Journal of the Wesleyan Theological Society*, No.39, p.35-45.
- H. Pohl, Alfred, 2001, *17 Reasons Why I Left the Tongues Movement*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- House, Sean David. 2006, *Pentecostal Contributions to Contemporary Christological Thought: A Synthesis with Ecumenical Views*.
- Kärkkäinen, Veli-Matti ,2004, "Pentecostal Theology of Mission in the Making." *Journal of Beliefs & Values* 25, No.2, p.167-176.
- _____, 2000, "Truth on Fire": Pentecostal Theology of Mission and the Challenges of a New Millennium." *Asian Journal of Pentecostal Studies* 3, No.1, p.33-60.
- _____, 2001, "The Apostolicity of Free Churches: A Contradiction in Terms or an Ecumenical Breakthrough," *Pro Ecclesia* 10, p.475-486.
- Kowalski, Rosemarie Daher. 2010, "The Missions Theology of Early Pentecost: Call, Challenge, and Opportunity." *Journal of Pentecostal Theology* 19, No.2, p.265-291.

- Lugo, Luis, 2011, Christianity, Global. "A Report on the Size and Distribution of the World's Christian Population." *Paper presented at the Pew Forum on Religion and Public Life*.
- Lukose, Wessly., 2009, "A Contextual Missiology of the Spirit: A Study of Pentecostalism in Rajasthan, India." University of Birmingham.
- Ma, Wonsuk, 2014, Veli Matti Karkkainen, and J Kwabena Asamoah-Gyadu, *Pentecostal Mission and Global Christianity*, Vol. 20, Wipf and Stock Publishers.
- _____, 2009, "Pentecostal Eschatology: What Happened When the Wave Hit the West End of the Ocean." *The Azusa Street Revival and Its Legacy*, Cleveland, TN: Pathway, p.227-242.
- _____, 2007, "When the Poor Are Fired Up': The Role of Pneumatology in Pentecostal-Charismatic Mission." *Transformation 24*, No.1, p.28-34.
- McClung, L Grant.1986, *Azusa Street and Beyond: Pentecostal Missions and Church Growth in the Twentieth Century*, Bridge Logos Pub.
- _____, 1988, "Theology and Strategy of Pentecostal Missions." *International Bulletin of Missionary Research 12*, No.1, p.2-6.
- McGee, Gary B.1986, "Assemblies of God Mission Theology: A Historical Perspective." *International Bulletin of Missionary Research 10*, No.4, p.166.
- Miller, Denzil R, 2005, *Empowered for Global Mission: A Missionary Look at the Book of Acts*, Life Publishers International USA.
- Miller, Donald E, and Tetsunao Yamamori, 2007, *Global Pentecostalism: The New Face of Christian Social Engagement*, Univ of California Press.
- Rausch, Thomas P.2010, "Catholics and Pentecostals: Troubled History, New Initiatives." *Theological Studies 71*, No.4, p.926-950.
- Smith, Brian H. 1998, *Religious Politics in Latin America*, Pentecostal Vs. Catholic. Notre Dame UP.
- W. Cloud, David, 2012a, *Charismatic Confusion*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____, 2012b, *Tongues Speaking*, _____.
- _____, 2011, *the Transformational Power of Contemporary Praise Music*, _____.

_____, 2014, *End-Time Confusion: The International House of Prayer* _____.

_____, 2015, *Directory of Contemporary Worship Musicians*, _____.

_____, 2016, *What Every Christian Should Know about Rock Music*, _____.

Walker, Daniel Okyere.2010, "The Pentecost Fire Is Burning: Models of Mission Activities in the Church of Pentecost." University of Birmingham.

Wild-Wood, Emma, and Peniel Rajkumar.2013, *Foundations for Mission*. Vol. 13: Wipf and Stock Publishers.

Währisch-Oblau, Claudia. 2009, *The Missionary Self-Perception of Pentecostal/Charismatic Church Leaders from the Global South in Europe: Bringing Back the Gospel*. Brill.

